

## بررسی مهم‌ترین منابع و مآخذ عصر سلجوقی (۱) «تواریخ عمومی - اوایل دوره سلجوقی - سلسله‌النسبها و تذکره‌ها»

معصومه ذوالفقاریان  
آموزش و پرورش دامغان

### مقدمه

از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی ایران پس از اسلام، عصر سلاجقه بزرگ است. در قرنهای چهارم و پنجم هجری قمری، نبود قدرت ایرانی و مسلمانان، باعث تسلط قوم ترک‌نژاد بر این سرزمین گردید. اولین نیروی ترک حاکم بر ایران، غزنویان بودند. هرچند آنان پایگاه مستحکمی در ایران نداشتند، راه را برای ترکان هم‌نژاد خود یعنی سلجوقیان هموار ساختند. آنان نخستین دگرگونی را در جمعیت ایران ایجاد کردند، زیرا اقوامی بیابانگرد بودند و به صورت گروهی از جانب ماوراءالنهر به سوی دشتهای ایران هجوم آوردند. در قلمرو این حکومت دو رویکرد رخ داد: نخست، حاکمیت ترکان بود که باعث اعمال قدرت در بخشهای مختلف گردید. دوم، ایرانیان در حکومت سلجوقیان نقش دیوان‌سالار را داشتند.

از جمله دگرگونیهای دیگر تأثیر بر فضای مذهبی ایران بود که به موجب اعتقادات آنان به مذهب تسنن، برای کسب مشروعیت مذهبی به مبارزه با تشیع و محدود کردن نفوذ آنان پرداختند. در چنین فضایی زبان فارسی و آداب و سستهای ایرانی نیز گسترش و توسعه یافت.

سلجوقیان با قدرت شمشیر خود، تأیید خلیفه، و دیوان‌سالاران قدرتمند ایرانی همچون عمیدالملک و خواجه نظام‌الملک نه تنها بر ایران حکومت کردند که پیشرفتهای چشمگیری نیز در گرجستان و آسیای صغیر داشتند. به نظر می‌رسد عاملی که

سلجوقیان را در حفظ مملکت یاری نمود، طبقه دیوانی و کتاب بود که کارآموده و آگاه به امور کشوری و لشکری بودند.

پس از یک قرن در سال ۵۹۰ ه. ق، با قتل طغرل سوم به دست سپاهیان خوارزمشاه علاءالدین تکش، حاکمیت این سلسله پایان یافت. از جمله علل شکست و تجزیه این سلسله به شعبه‌های مختلف می‌توان به این عوامل اشاره کرد: اختلافات درونی سلسله سلجوقی، درگیری مداوم اسماعیلیان با سلجوقیان، تیره شدن روابط سلجوقیان با خلفای عباسی، عدم توان کنترل آنان در برابر ورود موج عظیم قبایل ترکمان به ایران، نبود نظام حکومتی کارآمد، و فساد درونی دستگاه.

نگارنده به واسطه اهمیت این دوره در اینجا طی معرفی منابع مهم تاریخ سلاجقه بزرگ، در حد ضرورت به نقد و تحلیل درونی برخی از مهم‌ترین آنها پرداخته که حاوی بهترین اطلاعات است. منابع این عصر را می‌توان با توجه به تنوع آنان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. تواریخ عمومی،
  ۲. تواریخ مربوط به اوایل دوره سلجوقی،
  ۳. سلسله النسبها و تذکره‌ها،
  ۴. تواریخ مربوط به شاخه‌های سلجوقیان،
  ۵. تواریخ محلی و سفرنامه‌ها،
  ۶. تحقیقات عصر جدید در مورد این سلسله.
- به علت حجم بالای مطالب در این شماره فقط به موارد ۱، ۲ و ۳ می‌پردازیم و بقیه موارد را به شماره بعد موکول می‌کنیم.

## ۱. تواریخ عمومی

### زین الاخبار

گردیزی مؤلف تاریخ موسوم به زین الاخبار نیز شاهدهی دیگر بر روند انتقال قدرت در خراسان بود. وی با بهره‌گیری از منابع جغرافیایی در تحریر فصل مربوط به ترکان اطلاعاتی مفصل در این خصوص به دست می‌دهد. همچنین توصیف‌های مهم و اغلب بی‌طرفانه گردیزی از برخی روابط غزنویان و سلجوقیان (مانند جنگ دندانقان و حوادث پس از آن) به‌ویژه در جاهایی که تاریخ بیهقی خاموش است مغتنم است. ولی

روی هم‌رفته این اثر از دقت نظر و کمال توصیف وقایع که در نزد بیهقی دیده می‌شود، خالی است. همچنین در مورد سلاجقه، مطالبش مختصر و فشرده است.

### مجم‌التواریخ و القصص

مؤلفی گمنام این اثر را در سال ۵۲۰ هـ. ق تحریر کرده است؛ علاوه بر گفتارهایی درباره شاهان و حکومت‌های ایران، به کشور هند و اتراک نیز پرداخته است. اهمیت اصلی کتاب در ذکر القاب و مناصب متداول در قرن ششم هجری است. در مورد سلاجقه ذیل انضمامی این اثر سال ۵۴۸ هـ. ق ویرانی نیشابور به دست غزان را شرح می‌دهد. ظاهراً وی معاصر سلطان سنجر و محمود بن ملکشاه سلجوقی بوده و اخبار خلافت مسترشد را نیز ذکر کرده است. اخبار درباره سلاجقه در این اثر مفصل‌تر از سایر بخش‌هاست (کاهن، ص ۳۴).

### تاریخ الکامل

این اثر یکی از غنی‌ترین منابع دست دوم در تاریخ سلجوقیان ایران است. ظاهراً غنای منابع در دسترس ابن اثیر دست وی را در شرح وقایعی که دیگران نیاورده‌اند، باز گذاشته است. در اینجا فقط به ذکر اشاراتی بسنده می‌کنیم. ویژگی اول این اثر در زمینه تاریخ سلجوقیان اطلاعات منحصر به فردی است که در مورد مهاجرت اولیه غزها به خراسان و پدیده غزان عراقی به ما می‌دهد. منابع وی را در مورد تاریخ شرق اسلامی ظاهراً تاریخ یمینی، مشارالتجارب تألیف ابن فندق و بهره‌هایی که از ملک‌نامه برده است، تشکیل می‌دهند (باسورث؛ تاریخ غزنویان، ص ۹). شرح مطالب وی خاصه در مورد تحركات سلاجقه در غرب و عراق دقیق و جزئی است.<sup>۱</sup> اما در مورد عهد آلب ارسلان مطالب زیادی ندارد و اغلب تکرار سایر منابع است، و تنها در ذکر فتح شام در عهد ملکشاه دقیق صحبت کرده است.

### ۲. تواریخ مربوط به اوایل دوره سلجوقی

#### تاریخ یمینی

عتبی مؤلف تاریخ یمینی از دیوان‌سالاران باسابقه سامانی و غزنوی، بازدید کاملی از

حوادث سالهای ۳۶۵ تا ۴۱۲ ه. ق در اثر خود به جا نهاده است. لذا اثر او در بررسی روابط دستگاه غزنوی با قبایل مهاجر ترک آسیای میانه (خاصه سلاجقه) اهمیت زیادی دارد. او دیوان سالاری بلند مرتبه بوده است.

### تاریخ مسعودی

بیهقی در ذکر تواریخ خرد و گاه روزشمار و ذکر اسامی افراد و جنگها و سایر کیفیتهای وقایع تاریخی خاصه در مناسبات میان سلطان محمود و مسعود با غزهای عراقی و سلجوقی (که گاه تا حد شمول مراسلات و مکاتبات فی مابین پیش می‌رود) منحصر به فرد است. از این رو، تاریخ بیهقی مقطع فروپاشی قدرت غزنویان در خراسان و انتقال قدرت به سلاجقه را تصویر نموده و قدرت سیاسی این دوره را به دقت توصیف می‌نماید.

### ملک‌نامه

از اولین منابع تاریخی خاص سلاجقه که متأسفانه اثری از آن باقی نمانده، ملک‌نامه است که به گفته ابن‌الدیم به زبان فارسی و برای آلب ارسلان تحریر شده بود. موضوع آن بر محور خاستگاه سلاجقه (کاهن، ص ۳۱-۶۵) و حوادث مربوط به آنها تا حدود نبرد دندانقان استوار شده و سبک روایت آن مشابه سبک گزارش دیوانی بوده است (باسورت؛ تاریخ ایران کمبریج؛ ص ۱۰ و ۴۷). طبعاً این منبع علاوه بر بهره‌گیری از منابع تاریخی حوزه غزنویان عمدتاً به مسموعات و تجارب شخص مؤلف گمنامش استوار بوده است.

### شکارنامه

از تألیف غیر تاریخی ابوطاهر خاتونی به نام شکارنامه که مربوط به ایام ملکشاه بوده، نیز اثری در دست نیست. بنا به اشاره راوندی از محتویات این کتاب (که توصیفات شکارهای سلطان و اعمال وی در آن ایام و غیره بوده) احتمالاً اثری پرارزش برای بررسی شخصیت سلطان ملکشاه بوده است.

### ۳. سلسله‌النسبها و تذکره‌ها

#### سلجوقنامه و ذیل آن

ظهیرالدین نیشابوری (متوفی ۵۸۲ هـ. ق) علت تحریر اثر خود را ناشی از «ضرورت دانستن سیر ملوک و اخبار و تاریخ شاهان» توسط سلاطین می‌داند تا بتوانند بر طبق آن امور را رفع و رجوع شرعی و عقلی کنند و بدانند که در ملوک سابق بزرگوارتر و رعیت مداراتر از سلاجقه نبوده‌اند. از خصایص این اثر شرح تاریخ برآمدن سلجوقیان تا ایام مؤلف به سبک فشرده و مختصر است. گاه روایتهای دقیق و جزئی از برخی امور به دست می‌دهد، مانند صحنه نبرد دندانقان و نقشه میدان نبرد، یا مسئله فال‌گیری داود از آیه قرآن و یا شرح عزل و قتل کندری توسط نظام‌الملک که این امر خود دلالت بر وجود مأخذی ویژه نزد شخص و یا حداقل مؤید استفاده از منقولات شفاهی و مسموعات از افراد موثق زمان خودش است (همان، ص ۱۷ و ۲۳-۲۴).

نیشابوری با وجود اشاره نکردن به منابع مورد استفاده خود، استفاده وی از تاریخ بیهمی و تاریخ گردیزی در مواردی مسلم است، زیرا در ترتیب وقایع و روش بیان وقایع تشابهات زیادی میان آنها یافت می‌شود (همان، ص ۱۰). از موارد ضعف این اثر اشارات بسیار مختصر آن به اوضاع اجتماعی زمان است که شاید هدف مؤلف از تحریر کتاب این امر را توجیه کند. به هر حال باید گفت اهمیت *سلجوقنامه* در تاریخ‌نگاری سلجوقیان بسیار زیاد است؛ به طوری که اکثر تواریخ مهم از *راحة‌الصدور* تا *جامع‌التواریخ* و *تاریخ گزیده* و غیره وقایع تا ایام سلطان آلب ارسلان را (حداقل) عیناً و لفظاً از آن برگرفته‌اند.

*ذیل سلجوقنامه* که توسط ابوحامد محمد بن ابراهیم نوشته شده است، از صراحت و روشنی به دور است و روایتی بغرنج و درهم از وقایع دارد، خاصه ایام سلطان طغرل که واپسین ایام سلاجقه است بسیار به اختصار گزارش شده است؛ ظاهراً در بیان جریانات تاریخی این زمان ناموفق بوده است.

#### مختصرالدول

ابن العبری مؤلف این اثر، مسائل تاریخی را از ابتدای خلقت سلسله‌وار بیان کرده است.

ارزش این اثر به ذکر مطالب بدون حشو و اضافات است. البته کتاب فوق بهترین مدرک تاریخی عصر مغول است چرا که وی در این دوره می زیسته است.

### زبدة النصره ونخبة العصر (تاریخ سلسله سلجوقی)

عمادالدین اصفهانی (کاتب اصفهانی ۵۱۹ - ۵۷۹ هـ. ق) اثر انوشیروان بن خالد کاشانی به نام *نخبة المصدور فی فتور زمان الصدور و صدور زمان الفتور* را که شامل یادداشتهای سیاسی او در سالهای ۴۲۵ - ۵۲۹ هـ. ق بود با اضافاتی تا تاریخ ۵۸۵ هـ. ق به عربی ترجمه کرد و آن را *نصرة الفطرة و عصره الفطرة* نام گذاری کرد (کاهن، ص ۳۹ و ۴۰). بعداً فتح بن علی بنداری این اثر را در سال ۵۲۳ هـ. ق خلاصه کرد و به نام *زبدة النصره و نخبة العصر* نامید.<sup>۲</sup> در *زبدة النصره* اساس روایت از آن انوشیروان است که گاه مطالبی را ظاهراً به عمد حذف کرده است (مثلاً حذف شرح حمله سلطان محمود در سال ۵۲۰ هـ. ق به بغداد). اصولاً تعدد مؤلفان این کتاب امکان نقد شیوه تاریخ نگاری آنها را ضعیف می کند، مثلاً گاه ادامه مطلب تا حد ذکر مسائل خصوصی و خانوادگی نزول می کند و یا به تعریف و تمجید شخصی مبدل می گردد. ولی گرایش غالب نظری در آن هواداری از تمرکز و محکوم کردن روند تضعیف سلطنت سلاجقه است، به طوری که مطلب به عیب جویی از امرای سلطان محمودی و شرح تباهیهای آنها تبدیل می شود (بنداری، ص ۴۲-۱۸۰). روی هم رفته این اثر اطلاعات بسیار درخور توجه تری از سایر منابع سلجوقی در اختیار ما می نهد. هر چند ناشناخته بودن منابع و مآخذ این اثر، امکان ارزیابی مطالب آن را کاهش می دهد، این فرض را قوت می بخشد که در تدوین آن از منابع مستقل و منحصر به فردی استفاده شده است که آن را به کامل ترین منبع سلجوقیان تبدیل کرده است.

هر چند تمایل و گرایشها دیوان سالارانه بر سراسر کتاب غالب است و کتاب احاطه ای بر مسائل خاص قدرت سیاسی ندارد، در زمینه ضبط حوادث دست اول و روابط دیوان سالاری با امرا و خاصه سلطان درخور اهمیت است.

### راحة الصدور و آية الصدور فی تاریخ آل سلجوق

محمد بن علی بن سلیمان راوندی، دیوان سالاری که شاهد محنت سلاجقه عراق بوده

است در مورد علت تحریر اثرش مطالبی با این عبارت دارد که: «ذکر نحوه بنا نهادن و سپس خراب شدن امپراتوری سلجوقی و در نهایت تحریک درباریان به پیروی از شیوه اسلاف خود...» (راوندی، ص ۳۸) و دیگر آنکه، به دلیل طول مدت حکومت سلاجقه، حوادث اوایل کارشان فراموش شده (همان، ص ۶۷) و باید روایت نو گردد. او در این امر از منابعی که استفاده کرده به جز مطالب راجع به احوالات آخرین سلاطین سلجوقی عراق که خود حاضر بوده عمده منابع وی *سلجوقنامه* ظهیری است. او *شکارنامه* ابوطاهر خاتونی را نیز مد نظر داشته است (همان، ص ۱۳۱) و ظاهراً از *ملک‌نامه* هم مطالبی نقل کرده است. این شیوه سبب بروز تفاوت‌هایی میان روایت وی با نیشابوری شده است (مثلاً در مورد ملاقات طغرل با سه درویش در همدان).

ذکر مطالب راوندی در *راحة الصدور مختصر* است و مطالب جدید آن ناچیز است. (بارتولد، ص ۸۸) مؤلف به شرح وقایع تاریخی سلاجقه بزرگ تا پایان سلطنت سلطان سنجر و سپس ذکر سلاجقه عراق تا پایان کار طغرل و استیلای خوارزمشاهیان به عراق پرداخته است. البته اشتباهات زیادی در تاریخها دارد، ولی به هر حال وی اول مورخی است که در باب علت انقراض سلاجقه صحبت کرده و آن علل را در روش سلطان سنجر در برقراری امنیت و استحکام دولت و عملکرد اتابکان می‌داند که نشان‌دهنده نوعی روش انتقادی در بررسی مسائل عصر خود است، که بحران سیاسی فروپاشی امپراتوری سلجوقیان آن را پدید آورده بود. شرح مطالب وی در دوره اتابکان هر چند به پای روایت بنداری و ظهیری و ابن اثیر نمی‌رسد، گاه مطالبی در خور توجه، خاصه در ایام حیات خود مؤلف دارد. انتقادات اصولی در باب شیوه تاریخ‌نگاری و ایده‌های تاریخ‌نگری البته بر وی وارد است و همین امر از نقاط ضعف اساسی این منبع تاریخی در راهگشایی جنبه‌های تاریک دوره سلجوقیان محسوب می‌گردد.

#### *سیاست‌نامه (سیرالملوک)*

خواجه نظام‌الملک طوسی، یکی از ارزشمندترین تألیفات سیاسی (*آداب الملوک*) را در تاریخ حیات اداری و اجتماعی و سیاسی سلجوقیان به جا نهاده است. زمان تحریر این اثر به تقریب در ایام حضیض سلطنت سلجوقیان و قدرت‌گیری مخالفان خود خواجه بوده است. زیرا خواجه به ارزیابی کارکردهای ساختار سیاسی نشسته و لوازمات و

معایب آن را بررسی می‌کند. مجموعه بحث وی که در تعیین و ترتیب صلاحیت هر کدام از نهادها، جهت تنسيق امر حکومت و تعیین حد و مرز هر کدام از آنها و حیثه وظایف و اختیاراتشان را شامل می‌شود، امروز جزو مباحث حقوق اساسی است (قاضی، ص ۳۵۷).

نظام‌الملک هدف از تحریر این اثر را که پیگیری و تداوم بخشیدن به عزم خود در «بازسازی نظام سیاسی سلطنتی» بود دنبال می‌کرد، لذا به تمامی حقوق و وظایف فراموش شده و متروک باستان که خاص سلطنت مطلقه است اشاره می‌کند. وی در اینجا همچون مدافع نیرومند سلطنت سلجوقیان ظاهر می‌شود و به‌واقع سیاست‌نامه دفاعیه‌ای از خط مشیها و اصول سیاسی عملی خود وی است که به مشاهده زوال آنها نشسته است.

در مورد سیاست‌نامه باید گفت که تصور خواجه از الگوی اقتدار، همان برداشت سنتی حکومت‌های پاتریمونیا (پدرسالار) است که در آن دانش سیاسی با نگرش تجویزی به هم آمیخته شده (اندرزنامه) و هدف راهنمایی حکام در حفظ قدرت را دنبال می‌کند. اندیشه مصلحت دولت یا «ملاحظه قدرت حکومت و حکام و دوام و بقای آن» هدف مؤلف و سایر ملاحظات برای تأمین این هدف‌اند مانند: ضرورت تأمین عدالت توسط حکام. نظم سیاسی چون خیراعلی پنداشته شده و سیاست هنر ترکیب زور و اجتماع برای تحکیم مبانی قدرت دولت و تأمین امنیت آن است.

الگوی سیاسی آرمانی وی سلطنت مطلقه است و مکرراً به تمرکز قدرت سیاسی، وسعت بخشیدن به حوزه و عملکرد آن و تکمیل دستگاه دولت سفارش می‌کند و در این راستا وی جهت انطباق نظریه حکومت خود با نظریه رایج قدرت در جامعه تکیه زیادی بر برداشتهای مذهبی، اخلاقی، تاریخی و غیره دارد که بیشتر به سستها و آداب و رسوم مستقر برمی‌گردد. به‌واقع سیاست‌نامه طرح دقیقی است که خواجه قصد داشت امپراتوری سلجوقی را با آن انطباق دهد.

درباره محتوای سیاست‌نامه، باید متذکر شد که قسمت اعظم کتاب شامل مطالبی است که از منابع دیگر گرفته شده است و ارزیابی صحت و سقم آنها مشکل است (نظام‌الملک، ص ۲۶ و ۲۷). به نظر می‌رسد نظام‌الملک در تصور ایدئال خود از ساختار سیاسی عهد ساسانی تحت تأثیر تاریخ‌نگری شعوبیان بوده است (خاصه در مورد



عدالت شاهان ساسانی). مطمئناً بخشهایی که شامل پندها و اندرزهای شخصی است متعلق به خود خواجه نظام‌الملک است (غروی، ص ۳۶۵ و ۴۵۹). مطالب تاریخی موجود در *سیاست‌نامه* ناچیز است و اکثراً مربوط به سایر سلسله‌های اسلامی است و از وضع معاصر دستگاه حکومت و اوضاع اجتماعی بحثی ندارد، هرچند در طرح مباحثی کلی مانند مسئله نفوذ زنان در دربار و زیانمندیهای آن، تأثیر دشمنیهای ترکان‌خاتون با او و اوضاع زمانه را منعکس کرده است (باسورث؛ *تاریخ ایران کمبریج*، ص ۸۰). از سوی دیگر وی بحث تمدن و مسائل اجتماع خاصه طبقات شهری و روستایی را به طور جدی طرح نمی‌کند که این البته از نبود بینش جامعه‌شناسانه نزد وی حکایت می‌کند. علاوه براین به دلیل وجود تناقضاتی در سراسر کتاب، نمی‌توان از این کتاب به طور جدی استفاده کرد.

مثلاً توضیحات وی در مورد پدیده چند شغلی دیوانیان، که توأم با مذمت و انتساب آن به وزیر وقت است (نظام‌الملک، ۳۲۳) این فکر را پدید می‌آورد که آیا وی خودش را محکوم می‌کند؟ درحالی که در لحن بیان مطلب تعلق به کسی دارد که در ایام وزارت شخص دیگری قلم می‌زند. لذا فرض وجود قطعات الحاقی در متن *سیاست‌نامه* به قلم دیگران، قوت می‌گیرد. تفاوت لحن بخش الحاقی به *سیاست‌نامه* به بقیه کتاب ساختار ناموزونی داده است که در خور توجه است.

در باب اهمیت *سیاست‌نامه* باید گفت که «... منبع اصلی برای بررسی سازمان سیاسی دولتهای مسلمان شرق» (بارتولد، ص ۸۰) است که با توجه به توضیحات خواجه در باب وظایف مأموران مختلف و ارباب مشاغل و اندرزهایی که در تمام شئون اداره ملک داده است سخنی درست است. از سویی *سیاست‌نامه* مجموعه و جنگی پرارزش از رسوم و عرف سیاسی معاصر وی است که نمایشگر روش و آیین اداری و درباری مرسوم در شرق اسلامی است.

### تاریخ‌الوزراء

نجم‌الدین ابوالرجاء قمی این اثر را در حدود سال ۵۸۴ هـ. ق تحریر کرده است (ابوالرجاء قمی، ص ۳۷ و ۳۹). فعالیت وی در امور دیوانی، سبب توجه وی به شرح حال وزرای سلجوقی و ادارات تحت نظارت آنها شده است. کتاب وی اصولاً تداوم

نقشه‌المصدر انوشیروان بن خالد کاشانی است به طوری که تاریخ‌الوزراء از وزارت قوام‌الدین ابوالقاسم درگزینی در سال ۵۲۵ هـ. ق شروع و تا وزارت عزیزالدین کاشی تداوم می‌یابد. لذا در تاریخ حیات دیوان‌سالاران سلاجقه عراق یک پیوستگی پدید آورده است. طبقاً گرایش وی بیشتر شرح وقایع ایام وزارت وزیران سلجوقی و روابط آنها با سلطان یا امرا و شرح دسایس و توطئه‌ها و بلاها و ناکامیهای وزیران است. این کتاب در زمره شرح حال وزرا و دیوانیان برجسته است و در رده آثار «ادب الوزرا»ها قرار نمی‌گیرد.<sup>۳</sup> گاه به مناسبت‌هایی شرح وقایع و اتفاقات قلمروهای نزدیک به سلجوقیان را هم آورده است. مؤلف خود اشاره دارد که ماجراها را همان‌طور که دیده و شنیده روایت می‌کند و اصولاً بخش زیادی از نکاتی را که به مطلب می‌افزاید، به منزله عقاید شخصی خود وی است. از نقایص این کتاب، لفاظی و هنرمندیهای البته ادیبانه است که با وجود شیرینی و جذابی آنها در کار پژوهش خستگی‌آور است. قضاوتها و نتیجه‌گیریها اخلاقی در سراسر کتاب به چشم می‌خورد. عدم تمایل وی به ذکر تواریخ از معایب عمده این کتاب است و گاه نام سلطان هم‌زمان وزرا را نیز ذکر نمی‌کند. به هر حال این امر ناشی از کم‌التفاتی وی به تاریخ سیاسی است.

به‌علاوه طرح مؤلف در تداوم کار انوشیروان مانع از پرداختن او به شرح احوال وزرای متقدم سلجوقی شده است. در کنار موارد فوق، اطلاعاتی که از اسامی صاحب‌منصبان متعدد می‌دهد در خور توجه است. شرح توطئه‌های درباری و دیوانی و دخالت‌های امرا در امور دستگاه‌های دولتی، در این کتاب به تفصیل شرح داده شده است. ارزیابی‌های وی از مأموران دیوانی (مهارتها، جهل و علم ایشان) نیز در خور توجه است. علاوه بر اینها این کتاب توسط دیوان‌سالاری با گرایش شیعی تدوین شده است و از این رو برای ارزیابی فرضیه‌ای که عقیده دارد پایگاه دیوان‌سالاری اواخر عهد سلجوقی از ایرانیان خراسانی به دیوانیان شیعی غرب ایران تبدیل یافته است، بسیار مناسب است. درباره اهمیت کتاب علاوه بر موارد فوق باید افزود که این اثر مأخذ همه اطلاعات مربوط به وزرای سلاجقه عراق پس از درگزینی است که کتب بعدی نقل کرده‌اند: مانند *نسانم‌الاسحار*<sup>۴</sup> که دقت نظر مؤلف در برشماری اصحاب مناسب و وظایف و شرح مفصل وقایع اعتباری زیاد بدان بخشیده است؛ به طوری که برخی آن

را در ردیف نصره‌الفترة بنداری و سلجوقنامه ظهیری و اخبارالدوله سلجوقیه می‌دانند (همان، ص ۳۵). درباره پژوهش ما البته این اثر با تمام اهمیت وافری که دارد، قابلیت استفاده چندانی ندارد؛ زیرا نخست به مقولاتی چون پدیده سیاسی در حیات جامعه ایران بی‌التفات است، دوم از مناسبات قدرت میان کانونهای اقتدار سیاسی آن روز جامعه زیاد تصویر دقیقی به دست نمی‌دهد. محدود شدن این اثر در حوزه خاص دیوانیها، امکان تحلیل ساخت دیوانی این دوره را پدید می‌آورد.

### زبدةالتواریخ (اخبارالدوله السلجوقیه)

امیر صدرالدین ابوالحسن علی بن نصر حسینی، در اواخر قرن ۶ هـ. ق این اثر را که قسمت اعظمش خلاصه‌ای از کتاب عمادالدین است تألیف کرد.<sup>۵</sup> مزیت اصلی این اثر در استفاده مؤلف از منابع دیگر در ذکر رویدادهای اولین زمامداران سلجوقی است و نیز وقایع عمده‌ای که خود مؤلف آورده حایز اهمیت است. وی به‌ندرت از منابع خود یاد می‌کند و احتمالاً کلمه به کلمه تألیفات مزبور را رونویسی کرده است. در عین حال برخی از مطالب جدید در کتاب وی دیده می‌شود مانند خواب دیدن یقاق در مورد آینده فتوحات خود یا قضایای قتل کندی و غیره که در خور توجه‌اند.

### عتبةالکتبه

مؤیدالدوله منتخب‌الدین بدیع اتابک جوینی منشی و دبیر سنجر مجموعه نامه‌های دیوانی سلطان سنجر را جمع‌آوری کرده است. این مجموعه شامل فرمانها (مناشیر)، اسناد انتصاب (تقلید) و اسناد مأموریتها (امثال) است که برای مقامات لشکری، کشوری و مذهبی صادر شده است.<sup>۶</sup> در این مجموعه امکان تصویر سازوکارهایی که حکومت مرکزی نظارت خود را بر دستگاههای تابعه اعمال می‌کرده است فراهم می‌گردد. همین‌طور امکان درک سلسله‌مراتب کشوری و لشکری و دینی و تعامل حکومت مرکزی با حکومتهای محلی و حکام ولایات را ممکن می‌سازد. در نتیجه هم به منظور تحلیل نهاد وزارت مفید است، هم از لابه‌لای این مجموعه اسناد دیوانی، امکان بررسی

اوضاع اجتماعی نیز به دست داده می‌شود. لمبتون در مقاله «طرز اداره دولت در دوره سنجر بر اساس عتبه‌الکتبه» این اثر را ارزیابی کرده است.

### تاریخ گزیده

تاریخ گزیده تألیف حمدالله مستوفی ویژگیهای عدیده‌ای خاصه در تاریخ عهد مغول دارد. ولی در زمینه عهد سلاجقه به ویژگیهای مهم آن اشاراتی می‌شود. افسانه معروف حسن صباح و خواجه نظام‌الملک درباره دفتر جمع و خرج ممالک را در این منبع می‌توان یافت (حمدالله مستوفی، ص ۴۳۱). حمدالله مستوفی درباره آغاز کار سلاجقه اختصار را پیشه کرده ولی درباره ظلم و جور ابراهیم ینال و دادخواهی مردم نیشابور از دست وی مطالب جالبی دارد (همان، ص ۴۲۸). در مورد غزای سلطان محمد بن ملکشاه در هند و آوردن بتی از آنجا مطالبی دارد که روایت واحد است. وی از تاریخ *ابوالعلاء احوال* در اوایل کار سلاجقه استفاده و مطالبی را نقل می‌کند (همان، ص ۴۲۶ و ۴۲۷). ولی در کل، روایت تاریخ گزیده همان روایت رسمی مألوف از تاریخ سلاجقه است و دید انتقادی و جدیدی نسبت به قضایا ندارد و همانها را می‌پذیرد. توجه جدی مطالب وی به دوره پس از ملکشاه است (خاصه سلاجقه عراق). ضعفهای کلی منابع تاریخ‌نگاری سنتی در مورد این منبع هم صدق می‌کند.

### مجمع‌الانساب

این کتاب از زمره منابع تاریخ قرن هشتم هجری است که مطالبی در مورد سلاجقه بزرگ دارد. گسستگی مطالب آن در بسیاری موارد مشهود است. گاه خلیط بحث و اشتباهاتی فاحش دارد.<sup>۷</sup> شبانکاره‌ای در ذکر وقایع آغازین عهد سلجوقی، خاصه دوره ملکشاه، از روایت *سلجوقنامه* و *راحة‌الصدور* بهره برده است (شبانکاره‌ای، ص ۱۰۲). اگر از متن *پندنامه* سبکتکین که ظاهراً اول بار در آنجا ذکر شده و نکاتی اندک که در مورد اتابکان فارس و اتابکان یزد (همان، ص ۱۸۲ و ۲۱۰-۲۱۱) آورده است، که در کل تقریباً روایات ناسنجیده‌ای است بگذریم، مطالب آن اغلب خصلت روایت معمولی از آثار قدما دارد.

## جامع‌التواریخ

این منبع مشهور تاریخی نیز مطالبی دربارهٔ سلاجقه و اسماعیلیه دارد. رشیدالدین فضل‌الله همدانی جدا از اشتباهات در قضاوت پیرامون یک شخص واحد<sup>۸</sup> که ناشی از خبط مؤلف است به نکات مهم آن دوره اشاره می‌کند. اصولاً کار وی جنبه انتقادی و تحقیقی ندارد بلکه بیان ساده و بدون عقیده شخصی مؤلف درباره تاریخ سلسله سلجوقی است. مطالب آن در واقع رونویسی از *سلجوقنامه* و *راحة‌الصدور* است، حتی گاه گرایشهای ویژه راوندی در قبال موضوعات را حفظ و تعدیل نکرده<sup>۹</sup> و ذیل ابوحماد محمد بن ابراهیم بر *سلجوقنامه* را نیز مفصلاً آورده است. مزیت این اثر در توضیحات کوتاه و موجز ولی بسیار مفید در مورد اشخاص و جریانات این دوره است که گاه گره از ابهامات می‌گشاید.

## پی‌نوشتها

۱. مثلاً ورود طغرل و هجوم عامه به سپاه او و... (الکامل؛ ج ۸، ص ۳۲۲-۳۲۵).
۲. جهت یک بررسی از این روند نگاه کنید: زرین‌کوب، عبدالحسین؛ *تاریخ ایران بعد از اسلام*؛ ص ۴۶ و *بارتولد؛ ترکستان‌نامه*؛ ص ۸۵-۸۶.
۳. برای دیدن این بحث رجوع شود به: ابوالرجاء قمی؛ *تاریخ‌الوزراء*؛ مقدمه دانش پژوه، ص ۱۸-۳۴.
۴. *سنن‌الاسحار* یک خلاصه ناشیانه از این اثر است. به رغم استفاده‌هایی که از این اثر کردیم، معرفی مستقل آن (*سنن‌الاسحار*) را لازم ندانسته و اهمیتی ثانوی در این بحث برای آن قائل هستیم.
۵. رجوع شود به مجموعه تواریخ سلسله سلجوقی که توسط هوتسما چاپ شده است و حتی گاه شباهتهای زیادی (تا حد رونویسی) میان مطالب آن با *تاریخ سلسله سلجوقی* بنداری هست. رجوع شود به حسینی؛ *انخبارالدوله السلجوقیه*؛ در مورد قضیه مرگ ملکشاه، ص ۷۱-۷۴.
۶. رجوع شود به: Lambton (1980), *The Administration of Sangar's Empire in "Atabak Al-kataba"*, in *The eny and practice in Medieval Persian*; London.
۷. مثلاً از جفری در ایام پس از مرگ طغرل نام می‌برد (مجمع‌الانساب؛ ص ۱۰۰) و *یسا تاریخ مرگ ملکشاه* را ۴۸۷ هـ. ق گفته است (همان؛ ص ۱۰۵).
۸. مثلاً در مورد سلطان محمود که در بررسی او هم وی را مسلط بر امور و هم غافل از امور معرفی می‌کند (جامع‌التواریخ؛ ص ۳۵۱-۳۵۳).
۹. مثلاً حفظ لحن جانبدارانه راوندی در مورد طغرل سوم (جامع‌التواریخ؛ ص ۴۲۳ به بعد) و با آرزوی دوام زندگی و طول بقای عمر برای طغرل سوم... (همان؛ ص ۴۲۳-۴۲۴).

## منابع

- ابن اثیر عزیزالدین؛ *الکامل فی التاریخ*؛ ترجمه دکتر محمد حسین روحانی، تهران: اساطیر ۱۳۷۰.
- ابوالرجاء قمی، نجم‌الدین؛ *تاریخ الوزراء*؛ تهران: ۱۳۶۳.
- بارتولد، نلدکه؛ *ترکستان‌نامه*؛ ترجمه کریم کشاورز، تهران: آگاه، ۱۳۶۶ ه. ش.
- باسورث، گیلفورد، ادموند؛ *تاریخ ایران کمبریج*؛ ترجمه حسن انوشه، ج ۵، تهران.
- بنداری اصفهانی؛ *زیده‌النصر و نخبه‌العصر*؛ ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۶.
- بنداری، فتح‌بن علی؛ *تاریخ سلسله سلجوقی*؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۲۵۳۶.
- \_\_\_\_\_؛ *تاریخ غزنویان*؛ ترجمه حسن انوشه، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- حسینی، علی‌بن ناصر؛ *اخبارالدوله السلجوقیه*، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
- حمدالله مستوفی؛ *تاریخ گزیده*؛ امیر کبیر، ۱۳۶۴
- راوندی؛ *راحة‌الصدور و آیه‌الله*؛ امیرکبیر، ۱۳۶۵
- رشیدالدین فضل‌الله؛ *جامع‌التواریخ*؛ زنجان: بی‌نا، ۱۳۳۸.
- شبانکاره‌ای، محمدبن علی؛ *مجمع‌الانساب*؛ به تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- غزنوی، مهدی؛ *عصر طلایی نظام‌الملک*.
- قاضی، ابوالفضل؛ *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*؛ دانشگاه تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۳.
- گردیزی، ابوسعید؛ *زین‌الانخبار*؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۱۵ ه. ش.
- نظام‌الملک طوسی، ابوعلی؛ *گزیده سیاستنامه*؛ تهران: چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۶۸.
- Cahen, Clude (1949); *le Malik-Nameh et l'histoire des original Seljukid*, in oriens ii.